

نام کارگروه: کارگروه توسعه ایران

رئیس کارگروه: سعید غلامی نتاج امیری

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۲/۱

تهیه کننده: رضا معصومی راد

همکاران (اعضای کارگروه): بالکانی، جوانمردی، حاج قاسم، دیوسالار، غلامی نتاج، فرهادی نیا، کرکه آبادی، و معصومی راد.

عنوان: نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی در جامعه‌شناسی

کلیدواژه: توسعه - تغییرات اجتماعی - نظریه‌های توسعه - جامعه‌شناسی توسعه

چکیده:

تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شتابانی که به ویژه طی چند قرن اخیر در جوامع غربی رخ داد بسیاری از متفکران را در حوزه‌های مختلف فلسفی - اجتماعی - سیاسی و اقتصادی بر آن داشت تا به تبیین علل و پیامدهای این تحولات بپردازند. این تبیین‌ها که در دو دسته کلی بدبینانه و خوشبینانه قابل تقسیم‌بندی است الهام‌بخش بسیاری از اندیشه‌وران در جوامع غیرغربی گردید که درباره جامعه خودشان و مسیری که می‌باید بپیماید نظریه‌پردازی نمودند. مرور این دیدگاه‌ها، نظریات، نقد و بررسی آنها در موقعیتی که تجربه روندهای مدرن شدن فرا روی ما قرار داد و با بیش از یک قرن نظریه‌پردازی در زمینه نحوه ایجاد توسعه و پیشرفت در کشور مواجه هستیم به ما این امکان را می‌دهد تا با دیدی فراختر به اوضاع خود و جهان پیرامون نظر افکنده و به اتخاذ راهبردی متناسب با جامعه و فرهنگ خود به سوی آینده گام برداریم. این بررسی تلاشی است در جهت تقسیم‌بندی ادبیات مربوط به توسعه با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی و عمدتاً به منابع و نظریه‌های غربیان در باب توسعه توجه نموده است. بدیهی است که در مطالعه دیگری لازم است تا ادبیات بومی در حوزه توسعه ایران نیز مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

توسعه - تغییرات اجتماعی - نظریه‌های توسعه - جامعه‌شناسی توسعه

نظریه‌های توسعه دارای مبادی و ریشه‌های فلسفی متفاوتی هستند، همچنین براساس موقعیت سیاسی طرفدارانشان، بستر تاریخی و جغرافیایی که در آن مطرح شده‌اند و نیز از حیث جهت‌گیری علمی یعنی براساس جهت‌گیری غالب اقتصادی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و ... از ویژگی‌های خاصی برخوردارند.

در بین رویکردهای مختلف علمی به توسعه، جامعه‌شناسی تأکید و نگره‌ای را مطرح نموده که براساس آن به توسعه به مثابه فراگردی توجه می‌شود که به تغییرات اجتماعی گسترده‌ای دامن می‌زند و همچنین از عوامل ساختاری و فرهنگی و شبکه مبادلات اجتماعی درون و بیرونی جوامع متأثر می‌شود. مطالعه علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی موجد توسعه از یکسو و پیامدهای آن بر فرد، خانواده، سیاست، اقتصاد، دین و باورها، فرهنگ، شیوه زندگی و ... از سوی دیگر و همچنین تبیین تفاوت‌های بین جوامع از نظر درجه پذیرش توسعه و یا مقاومت در برابر آن مطمح‌نظر حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است.

بررسی و مرور ادبیات جامعه‌شناختی توسعه از اهمیت زیادی برخوردار است. نه صرفاً بدان علت که می‌توان از درافتادن به دام تقلیل‌گرایی در تبیین پدیده توسعه رهایی یافت بلکه بدان علت که می‌توان رگه‌هایی از اثرات متقابل این نظریات را با سایر حوزه‌های نظری نیز مشاهده نمود و زمینه را برای درهم آمیختن و تلفیق بین آنها فراهم نمود.

در این گزارش سعی گردید تا به طور اجمالی ابتدا مفاهیم مرتبط با توسعه تعریف شود، سپس آراء بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی که در الهام بخشی به ادبیات توسعه مؤثر بودند معرفی شود و در آخر پس از دسته‌بندی نظریات به معرفی تک تک آنها به صورت خلاصه پرداخته شود.

توسعه (Development): واژه توسعه در لغت به معنی خروج از لفاف است و به معنای بسط و گسترش یافتن آمده است.

در قالب نظریه نوسازی لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله‌ی سنتی خارج شوند.

مهمترین مفروضات نهفته در مفهوم توسعه:

الف) توسعه مقوله‌ای ارزشی است.

ب) جریانی چند بعدی و پیچیده است.

ج) ارتباط زیادی با مفهوم بهبود Improvement دارد.

مایکل تودارو: تعریف توسعه

معتقد است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. (تودارو، جلد اول، ۱۳۶۶: ۱۳۵)

تعریف توسعه از منظر جامعه‌شناسان کلاسیک:

برخی در تعریف توسعه بر روند تاریخی آن پافشاری کرده‌اند و توسعه را عبارت از مرگ تدریجی نظام کهن و تولید و رشد تدریجی نظام تازه از زندگی تعریف نموده‌اند که این نظام تازه خود مرحله و شرایط تاریخی تازه‌ای برای جامعه خواهد بود. اندیشمندان کلاسیک اجتماعی همچون کنت، اسپنسر، دورکیم، مارکس، وبر، تونیس در این جرگه قرار می‌گیرند.

تغییر اجتماعی^۱

تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم‌دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید. (روشه،

۱۳۶۶: ۷)

از دیدگاه کارکردی - ساختاری دو نوع تغییر را از یکدیگر متمایز می‌کند:

الف) تغییر متعادل (ب) تغییر ساختی

الف) تغییر متعادل نوعی فرایند است که به واسطه آن بدون آنکه نظام اجتماعی دچار دگرگونی کامل شود، جای خود را به تعادل و توازی جدید می‌دهد. در این نوع تغییر بخش‌هایی از نظام اجتماعی مورد دگرگونی و تغییر واقع می‌شوند.

ب) تغییر ساختی، به آن نوع تغییری گفته می‌شود که کلیت نظام اجتماعی دچار دگرگونی و به واسطه آن نظام جدیدی جایگزین نظام قبلی شود.

تأکید پارسونز بر تغییر نوع اول است.

^۱ - (Social Change)

نسبت مفهوم توسعه با مفهوم تغییرات اجتماعی

مفهوم توسعه فقط بعضی از تغییرات - در درجه اول درآمد و رفاه اجتماعی - را در برمی گیرد و سایر تغییرات، مانند قشریندی اجتماعی، تحولات جمعیتی و ... را شامل نمی شود.

مفروضات مفهوم تغییر اجتماعی

۱ - بی طرفانه است.

۲ - تکامل گرا یا خطی نیست.

۳ - لزوماً بر بهبود تأکید ندارد .

۴ - امروزه مفهوم تغییر اجتماعی در علوم اجتماعی شامل دو برداشت می شود:

۱ - برداشت وسیع:

معمولاً در نظریه های فرهنگی و مردم شناسی مطرح می شود و تقریباً همان معنی توسعه را دارد که البته از بار ایدئولوژیکی آن کاسته است.

۲ - برداشت محدود:

برداشت محدود که عمدتاً جامعه شناسان بکار برده می شد، تاریخ بشر را مدنظر ندارد، بلکه نسبتاً مطالعه تغییراتی که منحصر به واقعیت های اجتماعی یک دوره است مورد توجه قرار می دهد.

مفهوم توسعه نیافتگی

فورتادو در تعریف توسعه نیافتگی می گوید: توسعه نیافتگی وضعیتی است که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کاربردی، امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست. Furtado, (۱۹۶۹: ۱۴۱)

به طور کلی توسعه نیافتگی را وضعیتی دانسته اند که ناشی از روابط نابرابر بین کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته می باشد. بنابراین توسعه نیافتگی را در پیوند با پویش هایی که از خارج به کشورهای توسعه نیافته تحمیل شده و نمود عینی عنصر وابستگی به نظام سرمایه داری جهانی است. در نظر گرفته اند.

جهان سوم

اصطلاح جهان سوم برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ توسعه آلفرد سوری Alfered Saury جمعیت شناس فرانسوی مطرح شد و در دهه هفتاد و با انتشار کتاب هایی چون جهان سوم توسط پیتر ورسلی Peter Worsely (۱۹۶۴) و دنیای سه گانه توسعه توسط ایروینگ لویس هورویتز Irving Louis Horowitz (۱۹۶۶) به عنوان مفهومی فراگیر مطرح شد.

کشورهای جهان سوم به کشورهای اطلاق می شود که علی رغم تفاوت های گوناگون از سه نظر وجه مشترک داشتند: کشورهایی بودند فقیر، رهایی یافته از بند استعمار و در جنگ سرد بین ابرقدرت غرب و شرق عده ای نیز معتقدند که در دوران جنگ سرد کشورهایی که امروزه موسوم به کشورهای غیر متعهد هستند کنفرانسی را در باندونگ اندونزی در سال ۱۹۵۵ تشکیل دادند و در پی آن بودند که سیاست عدم وابستگی و عدم تعهد به کشورهای بلوک غرب و شرق را دنبال کنند. این کشورها را نیز کشورهای جهان سوم نامیده شد. یوگسلاوی - هند - اندونزی - مصر از بانیان این کنفرانس بودند.

- گروهی نیز به پیروی از تز رهبران چین جهان را به سه قسمت تقسیم می‌کنند. جهان اول را ابرقدرت‌ها می‌دانند، جهان دوم را جهان کشورهای اروپایی و نیروهای بینابینی تلقی می‌کنند و جهان سوم را دربرگیرنده تمامی کشورهای باقیمانده می‌دانند.

- تودارو جهان سوم را شامل حدود ۱۱۸ کشور می‌داند که سطح نازل زندگی نرخ‌های رشد زیاد جمعیت، سطح پایین درآمد سرانه و بالاخره وابستگی اقتصادی و فنی به اقتصادهای جهان اول و دوم از مشخصات بارز این کشورهاست. (تودارو، جلد دوم: ۹۱۵)

مفهوم کشورهای در حال توسعه یا کشورهای رشد یابنده : (Developing Countries)

کشورهای رشد یابنده را بر اساس تفاوت‌های موجودشان می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱ - شامل کشورهای آسیایی است که از لحاظ سطح و ساخت اقتصادی وضع متوسطی دارند. از نظر کشاورزی واپس مانده‌اند، میزان شهرنشینی در آنها پایین است، برخی از آنها نفت‌خیزند و برخی مانند هند اقتصاد متنوعی دارند.

۲ - کشورهای آفریقایی که عقب‌مانده‌ترین کشورها از لحاظ سطح و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. کشاورزی بر صنعت برتری دارد و شهرنشینی پایین است.

۳ - کشورهای آمریکای لاتین که از جهت رشد اقتصادی و میزان شهرنشینی موقعیت ممتازی در بین کشورهای رشد یابنده دارند. سرمایه‌داری در برخی از آنها رشد سریعی داشته است. مانند برزیل و آرژانتین که در راه توسعه، صنعتی گام‌های بلندی برداشته.

ویژگی‌های هر یک از ابعاد توسعه

--

ابعاد توسعه				
توسعه انسانی	سیاسی	فرهنگی	اجتماعی	اقتصادی
درآمد ملی درآمد سراتنه بهزیستی انسائنها رفاه حیاتی طولانی حیاتی سلام حیاتی توسعه قابلیت‌ها و مهارت‌های انسانی	کارایی حکومت دموکراسی مشروعیت مشارکت دولت - ملت	تأکید بر نیازهای غیر مادی افراد جامعه حاصل فرایند توسعه فرهنگی کنسار گذشتن خرده‌فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است توسعه معارف، فنون دانش، هنر، تکنیک توسعه بر مبنای سنت‌های گذشته صورت می‌گیرد و نه خود آن	فقرزدایی تغذیه بهداشت مسکن اشتغال آموزش اوقات فراغت	بسط قابلیت بشری برای جلوگیری از فقر تقلیل دامنه فقر عمومی، بنیادی و ناپرابری افزایش درآمد سراتنه تحول از وضعیت صنعتی تولید به وضعیت مدرن

توسعه پایدار

اگر منظور از توسعه، گسترش امکانات زندگی انسانهاست. این امر نه تنها در مورد نسل حاضر بلکه نسلهای آینده نیز باید مدنظر باشد.

منظور از توسعه پایدار تنها محافظت از محیط زیست نیست. بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است، که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی مردم جهان و نه تعداد اندکی افراد برگزیده مورد تأکید قرار می‌دهد. توسعه پایدار به معنی عدم تحمیل آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و یا زیست‌محیطی به نسلهای آینده

است. (رحمانی، ۱۳۷۲: ۸۴)

نوسازی

واژه مدرنیزاسیون از زبان فارسی به مفاهیمی چون نوسازی، امروزی شدن و متجدد شدن ترجمه شده است. دانیل لرنر فرایند تغییر اجتماعی به نحوی که کشورهای کمتر توسعه یافته خصایص معرف جوامع توسعه یافته را کسب کنند.

نوسازی فرایندی است که به واسطه آن جوامع کشاورزی به جوامع صنعتی انتقال پیدا می کنند. این انتقال دربردارنده توسعه تکنولوژی، پیشرفت صنعت و توسعه سیاسی - فرهنگی و اجتماعی است که برای هدایت و بهره گیری از تکنولوژی مناسب هستند.

اینکلس و اسمیت نوسازی را فرایند اجتماعی - روانی می دانند که در طی آن افراد نگرش ها - ارزش ها و عقاید مدرن شدن را کسب می کنند.

ابعاد نوسازی = روانی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی

مفهوم وابستگی^۲

وابستگی مفهومی است که از جانب تئوری پردازان نئومارکسیست در بحث توسعه مطرح شده است.

سانتوس Sauntos در تعریف وابستگی می گوید:

«وابستگی وضعیت مشروطی است که در آن اقتصادهای گروهی از کشورها، به واسطه توسعه و گسترش

اقتصاد گروهی دیگر مشروط می شود.»

جامعه شناسان کلاسیک

اگوست کنت

هربرت اسپنسر

^۲ - (Dependency)

کارل مارکس

امی دورکیم

ماکس وبر

فردیناند تونیس

اگوست کنت

تولد: ۱۷۹۸ در شهر مون پلپه فرانسه

وفات: ۱۸۵۷. با این که دانشجویی استثنایی بود، اما موفق به دریافت درجه دانشگاهی نشد. وی بین دانشجویان ورودی به پلی تکنیک رتبه‌ی اول را کسب نمود. کنت منشی و همکار سن سیمون می شود و تا سال ۱۸۲۴ با وی همکاری می نماید.

نظریه کنت: فلسفه اثباتی و قانون تطور جوامع (الهی - متافیزیک - اثباتی)

اندیشه‌های کنت

هدف کنت آفرینش یک علم طبیعی جامعه بود که بتواند هم تحول گذشته نوع بشر را تبیین کند و هم مسیر آن را پیش‌بینی کند. گذشته از بنای علمی که بتواند قوانین حرکت حاکم بر بشر را در گذشت زمان تبیین کند کنت می‌کوشید تا شرایط لازم را برای استواری جامعه در هر زمان معین تاریخی تعیین کند. بررسی پویایی اجتماعی و ایستایی اجتماعی یعنی همان بررسی پیشرفت و نظم یا دگرگونی و استواری جامعه دو ستون بنیادی نظام ساخته و پرداخته او را تشکیل می‌دهند.

کنت می‌پنداشت که جامعه بشری نیز باید با همان روشی مورد بررسی قرار گیرد که در جهان طبیعی به کار برده می‌شود. کنت می‌گفت که علوم طبیعی در اثبات قانون‌مندی پدیده‌های طبیعی موفق بوده‌اند و توانسته‌اند

کشف کنند که پدیده‌های طبیعی از یک رشته توالی منظم تحولی پیروی می‌کنند. این علم نوین به جای تکیه بر مرجعیت سنت، خود را بر ترکیب مناسبی از استدلال و مشاهده به عنوان تنها وسیله موجه برای کسب دانش متکی ساخت. درست است که هر نظریه علمی باید بر واقعیت‌های مشاهده شده استوار باشد، اما واقعیت‌ها را نیز نمی‌شود بدون راهنمایی یک نظریه مشاهده کرد.

کنت علم جدید خود را ابتدا فیزیک اجتماعی نامید اما از آن جا که تصور می‌کرد اصطلاح او از سوی یک آمارشناس بلژیکی به نام کتله دزدیده شده باشد اصطلاح جامعه‌شناسی را ابداع نمود. اصطلاحی که از عناصر یونانی و لاتینی ساخته شده است. علم اجتماعی مورد نظر کنت هم در روش‌های تجربی و مبانی معرفت‌شناسی و هم در کارکردهایش برای نوع بشر می‌بایست از الگوی علوم طبیعی پیروی کند. (توجه به مصلحت نظری و نفع عینی برای بشر)

وی بر آن بود که علم اثباتی جدید باید به مطالعه ایستایی و پویایی اجتماعی بپردازد. البته او به مطالعه پویایی بیشتر اهمیت می‌داد.

هربرت اسپنسر

تولد: ۱۸۲۰ در شهر دربی انگلستان

وفات: ۱۹۰۳ در برایتون انگلستان

آثار اسپنسر:

آمار اجتماعی (۱۸۵۱)

فرضیه جمعیت (۱۸۵۲)

آموزش و پرورش (۱۸۶۱)

اصول زیست‌شناسی (۱۸۶۴-۶۷)

اصول روان‌شناسی (۱۸۷۰-۷۲)

بررسی جامعه‌شناسی (۱۸۷۳)

اصول علوم اجتماعی (۱۸۷۴)

اصول اخلاق (۱۸۷۹-۹۳)

انسان علیه دولت (۱۸۸۴)

زندگی‌نامه شخصی (۱۹۰۴)

اندیشه اسپنسر

مهم‌ترین علاقه اسپنسر مطالعه دگرگونی در ساختارهای اجتماعی است. از نظر اسپنسر تکامل از یک وضعیت نامعین، نامنسجم و یک‌دست به وضعیت منسجم، ناهمگون و چنددست (متکثر) حرکت می‌کند. هرچه تمایز بیشتر باشد، انسجام بیشتر خواهد شد و وابستگی تقویت می‌شود.

او در سال ۱۸۶۰ میلادی شاهکار زندگی خود را به نام «تکامل» آغاز کرد. اسپنسر اعتقاد داشت که تکوین اجسام به اهتمام اجزای متشکل در درون خود صورت می‌گیرد. مبدأ چنین تفکری که: تکامل به طور مستقل و خارج از مشیت الهی یا قدرت دیگری انجام می‌گیرد، در عهد خود فرضیه‌ای انقلابی بود. اسپنسر علاوه بر زیست‌شناسی، به قلمرو جامعه‌شناسی و سپس «اخلاق» که احتمالاً در آن دوره به عنوان درجات مترتب در نظم پدیده‌ها محسوب می‌شد، روی آورد. اسپنسر موفق شد با ارایه اصولی که از فرضیه تکامل برگرفته بود، فلسفه عمومی را بارور سازد. او معتقد بود که: کهکشان به صورت مجموعه‌ای عظیم حرکت می‌کند و پیوسته در جهت کسب ویژه‌گی‌ها و تفکیک و تنظیم عناصر، تکمیل می‌گردد و در این مسیر به هم‌آهنگی بیشتر بین عناصر تشکیل‌دهنده می‌پردازد. در مجموعه رسالات زیست‌شناسی (۱۸۶۴-۶۷)، اسپنسر از نظرات چارلز داروین و درباره تقسیم کار بین سازواره‌ها سود جسته است.

در اندیشه اسپنسر نوعی حرکت از ساده و بسیط بودن به سوی پیچیده‌تر شدن در مورد جوامع وجود دارد. وی فرآیند تفکیک یا تمایز عاملی محوری برای تبیین تغییر و تطور جامعه است و جوامع را به ساده، ترکیبی، ترکیبی مضاعف، ترکیبی شدید تقسیم‌بندی کرده بود. وی علاوه بر تقسیم‌بندی فوق جوامع را بر مبنای نوع سازماندهی و تنظیم اجتماعی به دو نوع صنعتی و نظامی تقسیم می‌کند.

کارل مارکس

تولد: ۱۸۱۸

وفات: ۱۸۸۳

محل تولد: شهر تریر آلمان واقع در ساحل رود راین. در سال ۱۸۴۱ دکتری فلسفه را از دانشگاه برلین دریافت نمود.

نظرات کارل مارکس:

مارکس در بررسی تحولات اجتماعی بر شیوه‌ی تولید تأکید داشت و بر آن بود که هر دوره‌ای شیوه‌ی تولید مخصوص به خود را دارد. وی بر تضاد و دیالکتیک در حرکت و تحول در جامعه اعتقاد داشت و آن را موتور محرک جوامع می‌پنداشت. دیالکتیک و تضاد اساسی موجود در جوامع را نیز بر سر منابع اقتصادی و مناسبات تولید می‌دانست. وی اقتصاد را زیر بنا و سایر وجوه اجتماعی - فرهنگی و سیاسی را روبنایی از آن می‌پنداشت، از این نظر بر خلاف استادش هگل می‌اندیشید و بر ماتریالیسم دیالکتیک اعتقاد داشت نه به ایده‌آلیسم دیالکتیک.

او چندین مرحله برای حرکت جوامع و تحولات و تغییرات آنها در نظر می‌گرفت و این مدل را تکاملی و خطی می‌دانست: کمونیسم اولیه - برده داری - فئودالیسم - سرمایه داری - سوسیالیسم - کمونیسم برین مارکس فردی انقلابی بود و معتقد بود که سرمایه‌داری به بهترین شکل ممکن گور خود را با دستان خود می‌کند، چرا که

تضاد طبقاتی را به اوج خود می‌رساند و از خودبیگانگی - بت‌وارگی - کالایی‌شدن و پوچی را به دنبال دارد. هر تزی آستن آنتی‌تزی خویش است و ضد خود را در درون خود می‌پروراند.

امیل دورکیم

تولد: در سال ۱۸۵۸ در شهر ایپنال ایالت لورن در شرق فرانسه متولد شد.

وفات: ۱۹۱۷ در پاریس

تحصیلات: در دوران جوانی علاوه بر گذران تحصیلات عادی در مدارس غیر مذهبی، زبان عبری، عهد عتیق و تلمود را نیز فراگرفت. وی چندی پس از کسب تأییدیه سنتی کلیمی در سن سیزده سالگی، تحت تأثیر یک معلم زن کاتولیک به کاتولیسیسم علاقه پیدا کردن بود، اما دیری نپایید که او از هر گونه تعلق مذهبی دست کشید و یک لادری شد. دوران متوسطه را در دبیرستان ایپنال و سپس دبیرستان لیسه لویی لوگران پاریس گذراند. وی پس از دو بار ناکامی در امتحانات ورودی اکول نرمال سوپریور، در ۱۸۷۹ وارد این مدرسه عالی شد. وی در فلسفه و علوم اجتماعی در فرانسه و آلمان تحصیلات عالی را می‌گذراند. رساله‌ی دکتری وی در زمینه تقسیم کار اجتماعی می‌باشد و اولین کسی که توانست کرسی استادی جامعه‌شناسی را تأسیس کند، دورکیم بود. وی همچنین مؤسس سالنامه جامعه‌شناسی در فرانسه است.

مقایسه جامعه سنتی و صنعتی از نظر دورکیم

جامعه سنتی	جامعه صنعتی
------------	-------------

همبستگی مکانیکی	همبستگی ارگانیکی
تقسیم کار ساده	تقسیم کار پیچیده
جامعه قطاعی	جامعه شهری
پراکندگی جمعیت	تراکم جمعیت
کنترل اجتماعی غیر رسمی شدید	کنترل اجتماعی رسمی
مالکیت اشتراکی	مالکیت فردی
حاکمیت مذهب و ایدئولوژی	افزایش جهان وطنی و فردگرایی
مجازات توأم با شکنجه جسمی	مجازات ترمیمی

ماکس وبر

تولد: ۱۸۴۶ در آلمان در شهر «ارفوت» مرکز ایالت تورینگن در شرق آلمان.

وفات: سال ۱۹۲۰ در مونیخ. دکتری در رشته حقوق در دانشگاه برلین و رساله‌ی دکتری در مورد بنگاه‌های

تجاری در قرون وسطی.

آثار:

اخلاق پروتستانیسم و روحیه سرمایه‌داری

روش‌شناسی علوم اجتماعی

اقتصاد و جامعه

اندیشه وبر

وبر با تبیین ریشه‌های ظهور سرمایه‌داری و عوامل مؤثر و تشکیل‌دهنده‌ی نظام سرمایه‌داری در مغرب زمین

چگونگی توسعه‌ی یافتگی و صنعتی‌شدن جوامع غربی را تبیین نموده و در این تبیین عناصری چون عقلانیت و اقتدار

را مورد بحث قرار داده است.

او معتقد است که در جامعه سرمایه‌داری قدرت از شکل سنتی خود خارج شده و در اختیار نهادهای دیوانسالار (بوروکراتیک) قرار گرفته است. وبر سرمایه‌داری را قفسی آهنین می‌شمارد، چرا که دیوانسالاری، عقلانیت و نظم حاکم بر آن محیطی بسیار خشک و بی‌روح را برای انسان به وجود می‌آورد. فرایندهایی همچون سکولاریزم، فردگرایی، بوروکراسی، دموکراسی، عقلانیت، تخصص‌گرایی را در جامعه‌ی سرمایه‌داری مورد بررسی قرار می‌دهد و این روندها را جزء پیامدهای این نظام می‌داند.

بنابر نظر وبر تأکید اصلاحات مذهبی متأثر از لوتر و کالون بر انجام وظایف دنیوی موجبات ظهور سرمایه‌داری را فراهم آورد. براساس این تعالیم گفته می‌شد که انجام وظایف دنیوی در هر موقعیتی تنها شیوه‌ی زندگی مقبول خداست و خواست خدا حفظ این ویژگی است.

وبر بین جماعت که مربوط به گذشته است و انجمن که نوع جدید روابط بین افراد در جوامع سرمایه‌داری است تمایز قائل می‌شود، لذا شرکت‌ها، سازمان‌ها، احزاب، انجمن‌ها از جمله مهمترین نهادهای بوروکراتیک و مدرن محسوب می‌شوند که بر مبنای عقلانیت و اقتدار عقلانی اداره می‌شوند.

فردیناند تونیس

تولد: ۱۸۵۵ در نوردفریزلند در هولشتاین آلمان که آن زمان تحت حاکمیت دانمارک بود.

وفات: ۱۹۳۶

او در دانشگاه‌های جنا، بن، لایپزیک، برلین و توپینگن تحصیل نمود و دکتری خود را در سال ۱۸۷۷ در توپینگن اخذ نمود. آثار معروف وی: او بیش از ۹۰۰ اثر در جامعه‌شناسی و فلسفه از خود برجای گذاشته است، از جمله مهمترین آنها می‌توان به گماین‌شافت - گزل‌شافت ۱۸۸۷ اشاره نمود.

گماین‌شافت - گزل‌شافت (اندیشه تونیس در باب توسعه جوامع)

گماین‌شافت = اجتماع - جامعه‌ی دهقانی که افراد آن بر مبنای تعاملات عاطفی و خویشاوندی با یکدیگر

ارتباط دارند.

گزل شافت = جامعه که افراد آن بر مبنای مناسبات اداری - رسمی و ارگانیک با یکدیگر تعامل دارند.

در گمای نشافت اراده‌ی ذاتی حاکم است، در حالی که در جامعه اراده اختیاری حاکم می‌باشد.

خصوصیت گمای نشافت زندگانی صمیمانه، خصوصی و انحصاری با دیگران است و افراد مقید به رعایت

همه‌ی قواعد اجتماع هستند. در حالی که در گزلشافت فردگرایی و رابطه‌ی پولی غالب می‌باشد و به افراد به عنوان

اعضاء اجتماع نگاه نمی‌شود بلکه همچون ابزاری که می‌توان از آنها در رسیدن به مقصود بهره گرفت نگاه می‌شود.

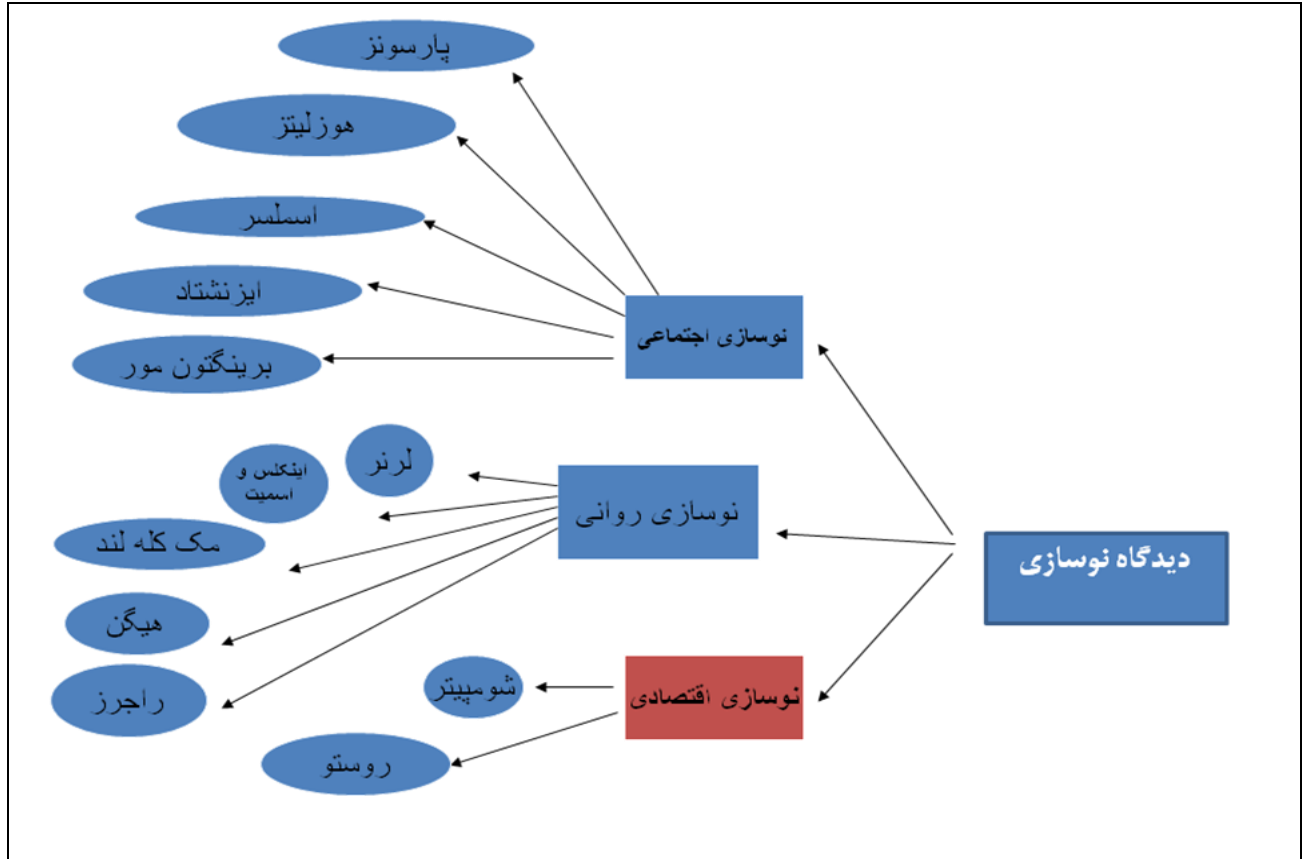
در گزلشافت رقابت شدیدی حاکم است، فردگرایی تشدید یافته است و قرارداد به عنوان ابزاری برای

تعریف روابط بین افراد مطرح می‌باشد.

مقایسه ویژگی‌های اجتماع و جامعه (تونیسی)

گزل شافت (جامعه)	گمای نشافت (اجتماع)
<p>وجود اراده اختیاری جامعه‌ی صنعتی و بورژوازی رقابت وظیفه در اولویت قرار دارد و رابطه فرعی است. پنهان‌کاری ارزشمند می‌شود. نظارت رسمی منزلت اکتسابی - تحرک شدید اهداف ابزاری</p>	<p>وجود اراده ذاتی جامعه سنتی و دهقانی کمک - مساعدت - و همیاری عدم تفکیک و تمایز بین وظایف و روابط شخصی پنهان‌کاری صورت نمی‌گیرد نظارت غیر رسمی منزلت انتسابی - تحرک محدود اهداف ارزشی و غایی</p>

دیدگاه نوسازی:



الف) نوسازی اجتماعی:

۱- پارسونز ۱۹۰۲ - ۱۹۷۹

پارسونز به عنوان توانمندترین چهره جامعه‌شناسی مکتب ساختاری - کارکردی اندیشه‌های خود را با بهره‌گیری از میراث کلاسیک‌هایی چون کنت، دورکیم، وبر و پاره‌تو در جامعه‌شناسی، مارشال در اقتصاد و فروید در روانشناسی به شکلی مدون مطرح کرده است.

در حوزه‌ی بحث نوسازی و تطور جوامع وی بحث متغیرهای الگویی را مطرح می‌نماید و جوامع را بر مبنای آن تیپ‌بندی می‌کند و معتقد است که جوامع در طول زمان همراه با توسعه یافتن پیچیده‌تر و تمایز یافته‌تر می‌شوند که در آنها روابط رسمی‌تر و غیرشخصی‌تر است. وی بر مکانیسم نظم و تعادل جوامع تأکید دارد.

وی جوامع را با توجه درجه‌ی پیچیدگی به ۵ مقوله تقسیم می‌نماید:

۱ - جوامع ابتدایی (بومیان استرالیایی) ۲ - جوامع باستانی (امپراطوری های بین النهرین و مصر باستان) ۳ - امپراطوری های تاریخ میانه (چین، هند، اسلام و روم) ۴ - اجتماعات منفرد (اسرائیل و یونان) ۵ - جوامع مدرن (آمریکا، ژاپن و ...)

پارسونز عامل اصلی تحول جوامع از ابتدایی به مرحله میانی را توسعه زبان و به ویژه زبان نوشتاری می داند، عامل اصلی تحول از مرحله میانی به مرحله نوین را قواعد و یا قوانین نهادمند نظم می داند که به علت تمایز یافتگی شدید ضرورت آن مطرح گردید.

زیرا تمایز یافتگی شدید سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی اروپا و به ویژه انگلستان را در معرض انقلاب قرار داده بود و چون تمایز یافتگی عناصر جامعه را از هم جدا کرده بود، وجود قواعد جدید هنجاری بخش الزامی گردید.

متغیرهای الگویی

متغیرهای الگویی	اجتماع سنتی	اجتماع توسعه یافته
کنش عاطفی و کنش غیر عاطفی	کنش عاطفی (پذیرش هر فرصتی جهت کسب رضایت بدون توجه به نتایج آتی)	کنش غیر عاطفی (ارزیابی فرصت‌ها با توجه به نتایج آتی)
اشاعه (آمیختگی) یا تفکیک	اشاعه: برخورد با سایرین و موضوعات به مثابه‌ی شخصیت‌های کلی	تفکیک: برخورد با مردم به مثابه‌ی دارندگان نقش خاص و متمایز
خاص گرایی یا عام گرایی	خاص گرایی: یگانه پنداشتن هر فرد با مجموعه‌ی کیفیات متمایز و خاص	عام گرایی: فرد عضو یک گروه و یا یک طبقه شناختی
انتساب یا اکتساب	انتساب	اکتساب

هوزلیتز^۲

^۲ - Hoselitz

هوزلیتز در چارچوب نظریه ساختی - کارکردی و متغیرهای الگویی پارسونز به طرح اندیشه خود تحت عنوان ساخت اجتماعی و رشد اقتصادی در سال ۱۹۵۳ پرداخت.

مانع توسعه از نظر هوزلیتز: الگوهای فرهنگ سنتی در جوامع توسعه نیافته.

راه حل: حذف الگوهای سنتی و جایگزین نمودن الگوهای فرهنگی مدرن.

وی راه انتقال جوامع جهان سوم و سنتی را به جوامع توسعه یافته حذف الگوهای سنتی می‌داند. از نظر وی

برای دستیابی به توسعه تغییر کل ساخت اجتماعی نیازی نیست، بلکه تنها باید برخی از متغیرها، نقش‌ها و یا قسمت‌های نظام را دگرگون کنیم. البته به نظریات وی انتقادات زیادی وارد شده است.

نیل اسملسر

ایده اصلی: تمایزات ساختی

علت توسعه نیافتگی: وجود واحدهای اجتماعی سنتی که تخصصی نیستند.

راه حل: باید تغییرات فنی، اقتصادی، بوم‌شناختی در کل فرهنگ و نهادهای جامعه به وجود آید.

نیل اسملسر نظریه خود را بر مبنای «تمایزات ساختی» پارسونز استوار می‌کند. وی توسعه اقتصادی را یکی از

ابعاد تغییرات اجتماعی می‌داند و معتقد است که نوسازی مترادف با توسعه اقتصادی به کار می‌رود ولی دارای

معنای مفهومی وسیع‌تری از توسعه اقتصادی است. به نظر او نوسازی ناظر به این نکته است که تغییرات فنی،

اقتصادی و بوم‌شناختی همه روندهایی هستند که از درون کلیت جامعه و فرهنگ سر بر می‌کشند.

نیل اسملسر در جریان توسعه اقتصادی تحولات زیر در این چهار زمینه رخ می‌دهد:

در زمینه تکنولوژی: فنون ساده و سنتی جای خود را به فنون علمی می‌دهند.

در زمینه کشاورزی: زراعت معیشتی به زراعت تجاری تبدیل می‌شود.

در زمینه صنعت انرژی حاصل از بازوی انسان و حیوان جای خود را به انرژی ماشینی می‌دهد.
در زمینه بوم‌شناسی: حرکت جمعیت و نیروی انسانی را از مزارع و روستاها به طرف شهرها شاهد می‌باشیم.
به نظر اسملسر تمامی جوامع در گذار خود از توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی باید دو تحول زیر را در خود محقق سازند:

۱- تمایزات ساختی

۲- هماهنگی و وحدت کارکردی

همچنین وی به تأثیر نوسازی بر بی‌نظمی و آسیب‌هایی که در جوامع در حال توسعه پدید می‌آورد نیز توجه دارد و آنها را ناشی از عوامل زیر می‌داند:

- تغییر ساخت جوامع سنتی یک تغییر یکسان و هماهنگ نیست.

- توسعه انواع جدید فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با روش‌های زندگی قدیمی تعارض پیدا می‌کند.

- کاربرد قدرت متمرکز با قدرت‌های محلی، کاستی، منطقه‌ای و سایر انواع اقتدار سنتی در تضاد قرار می‌گیرد.

ایزشتاد^۴

مفهوم اساسی: انطباق‌پذیری Adaptation

وی نیز در چارچوب نظریه ساختی و کارکردی به بحث از نوسازی می‌پردازد و برای تحقق نوسازی، مفهوم

انطباق را علاوه بر مفاهیم تمایزات ساختی و وحدت کارکردی که اسملسر بر آن تأکید داشت ضروری می‌داند.

جوامع سنتی = جوامع بسته و محدود

جوامع مدرن = جوامع گسترده و انطباق‌پذیر با شرایط متنوع داخلی و خارجی و همراهی با تغییرات به طور

عام و با توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی به طور خاص.

^۴ - Eisenstadt

ایزانشتاد محرک‌های اولیه نوسازی در کشورهای جهان سوم را بسط استعمار، نوآوری‌های فنی، و جنبش‌های فرهنگی می‌داند. وی علت توسعه نیافتگی را مقاومت در برابر تغییرات می‌داند و بر این باور است که برای تحقق و تداوم نوسازی باید میزانی از قابلیت انعطاف ساختی وجود داشته باشد.

ایزانشتاد بر نقش رهبری در نهادی شدن نوسازی و برخورداری از یک ساخت سیاسی تثبیت شده تأکید دارد. و الگوی نوسازی غربی را منسجم‌تر و مناسب‌تر برای جوامع جهان سوم ارزیابی می‌کند.

برینگتون مور^۵

مور در چارچوب دیدگاه ساختارگرایانه و تاریخی و با روش جامعه‌شناسی تطبیقی به مطالعه تحول جوامع سنتی به صنعتی می‌پردازد.

کتاب معروف وی: ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی

وی نیز بر موانع درونی توسعه در جوامع تأکید دارد. در عین حال جریان و روند توسعه را روندی خطی نمی‌داند.

به نظر مور توسعه و نوسازی عمدتاً از سه راه صورت پذیرفته است:

۱ - راه نوسازی دموکراتیک و سرمایه‌دارانه (انگلیس، فرانسه و آمریکا) و (محدود کردن قدرت حکام خودکامه، نهادن قوانین عقلایی به جای مقررات خودسرانه، سهمین شدن طبقات پایین جامعه در تصمیم‌گیری‌ها از جمله مهمترین اهداف جنبش‌های دموکراتیک را تشکیل می‌دهد).

۲ - راه نوسازی محافظه کارانه از طریق انقلاب از بالا (راه نوسازی فاشیستی) (ژاپن، آلمان و ایتالیا)

مستلزم وجود دستگاه دیوانسالار و نظامی قوی می‌باشد تا نوسازی را پیش برد و مقاومت‌های ارتجاعی را سرکوب نماید.

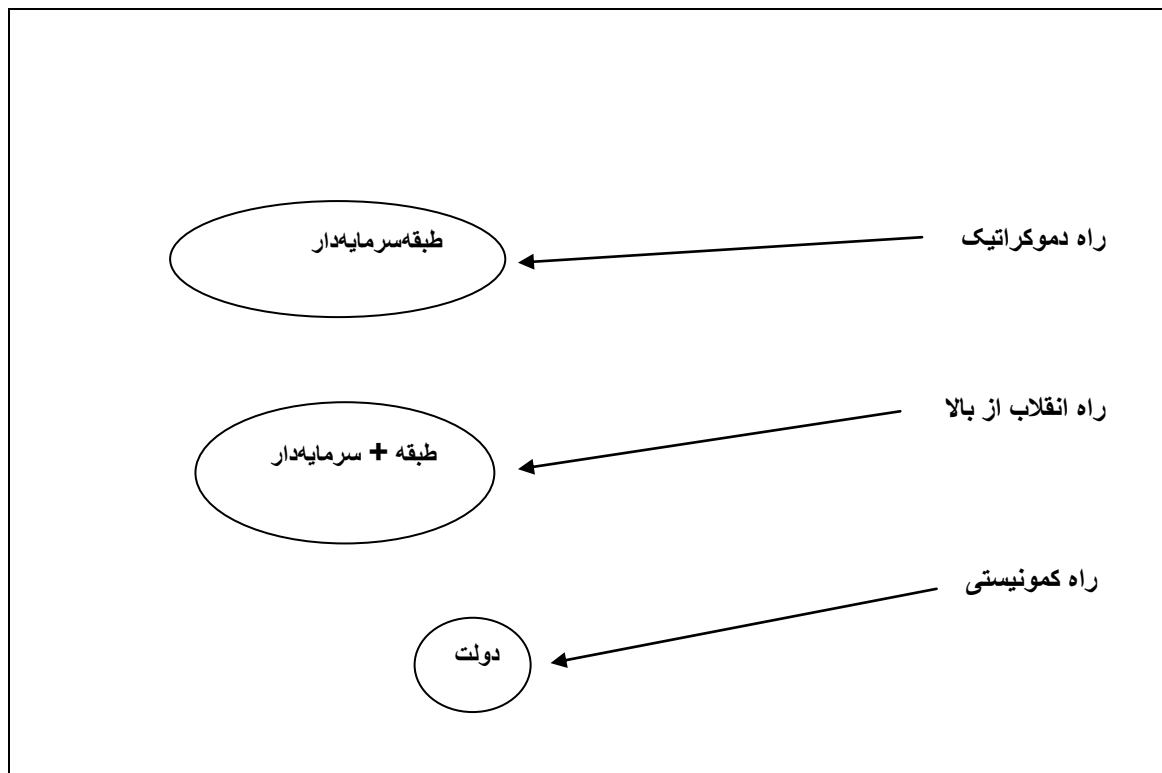
عقلایی کردن نظام سیاسی - آموزشی و همچنین آموزش مدنی برای زیستن در جامعه جدید.

^۵ - Barrington Moore

۳- راه نوسازی کمونیستی از طریق انقلاب دهقانی (چین و روسیه)

طبقات دهقانی تحت فشارهای ناشی از گسترش سرمایه‌داری جهانی قرار گرفت و به مهمترین نیروی انقلابی ویرانگری تبدیل شد که طومار نظام قدیم را در هم پیچید و جامعه را تحت رهبری کمونیست‌ها به سمت نوسازی سوق داد، البته نخستنی قربانی این انقلاب دهقانی خود دهقانان بودند. چرا که نوسازی در کشاورزی منجر به اشکال جدید تولید و مکانیزه شدن آن و پیدایش کشاورزی تجاری می‌شود که دهقانان در این فرایند جز عرضه نیروی کار چیز دیگری در اختیار ندارند و این نوسازی در کشاورزی مستلزم سرمایه سرمایه‌داران و اشراف می‌باشد و لذا مناسبات جدید طبقاتی را به وجود می‌آورد.

وی مسئله اصلی را در نوسازی پیدا کردن وسیله‌ای برای انباشت و کاربرد مازاد اقتصادی می‌داند.



او راه حل توسعه نیافتگی جوامع را وقوع یکی از سه شکل انقلابات (دموکراتیک، فاشیستی و کمونیستی) می‌داند، لذا کشورهایی که با هیچ از این انقلاب‌ها مواجه نشدند همان کشورهای عقب مانده امروز را تشکیل می‌دهند. رهبران سیاسی هند کوشیدند بدون این سه شیوه دست به نوسازی بزنند که شکست خوردند.

خلاصه نظریه مور در مورد نوسازی و توسعه

نتایج نوسازی	شرایط لازم	مکانیسمها و عوامل نوسازی	راه‌های نوسازی
دموکراسی سیاسی جامعه صنعتی توسعه	رشد طبقه متوسط جامعه فنودالی گروه‌های فشار (دینفوذ) - نیروها و جنبش‌های اجتماعی	تجاری شدن کشاورزی انباشت سرمایه انقلابی شدن طبقه متوسط	انقلاب دموکراتیک
سرمایه داری صنعتی پایان نظام‌های فاشیستی توسعه	ضعف طبقه متوسط رهبران سیاسی توانمند داشتن نظام سیاسی و دیوانی قوی و نخبگان نوگرا	اصلاحات ارضی از بالا، انباشت سرمایه با کمک و حمایت دولت، ائتلاف اشراف و طبقه متوسط	قلاب از بالا (محافظه کارانه) - فاشیستی
نظام سوسیالیستی و پیدایش دولت‌های توتالیتر	شورش‌های دهقانی روشنفکران نوگرا	آمدگی دهقانان به دلیل فشارهای ناشی از نظام سرمایه داری . وجود دولت‌های انقلابی . انباشت سرمایه ی صنعتی. برنامه‌ریزی دولتی	انقلاب دهقانی - کمونیستی
نتایج نوسازی	شرایط لازم	مکانیسمها و عوامل نوسازی	

ب) نظریه‌های نوسازی روانی

نظریه پردازان این حوزه واحد تحلیل را فرد می‌پندارند و نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند و معتقدند که با نوسازی انسان سایر جنبه‌های نوسازی یعنی نوسازی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فنی و ... رخ می‌دهد.

صاحب‌نظران عمده: دانیل لرنر - اینکلس و اسمیت - مک کله لند - هیگن - راجرز

دانیل لرنر^۶

^۶ - Daniel Lerner

کتاب مهم وی که در آن به مطالعه نوسازی در کشورهایمانند ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه پرداخته است «گذار از جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه» نام دارد.

اندیشه وی در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی قرار دارد.

راه حل توسعه را بسط و اشاعه عناصر فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم می‌داند و معتقد است که این عناصر فرهنگی در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر تجدید تأثیرگذار هستند.

مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسانها برای نوشتن عبارتند از: گسترش رسانه‌های گروهی، سواد و تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت اجتماعی - سیاسی.

وی معتقد است که همزمان با تغییرات فنی - تکنولوژیک و اجتماعی در نگرش‌ها و باورهای افراد نیز تغییرات متناسب با نوگرایی رخ می‌دهد. (نمونه در ترکیه) او انسان‌ها را بر مبنای حالات روانی نسبت به محیط به سه دسته، نوگرا - در حال تحول و سنتی تقسیم می‌کند.

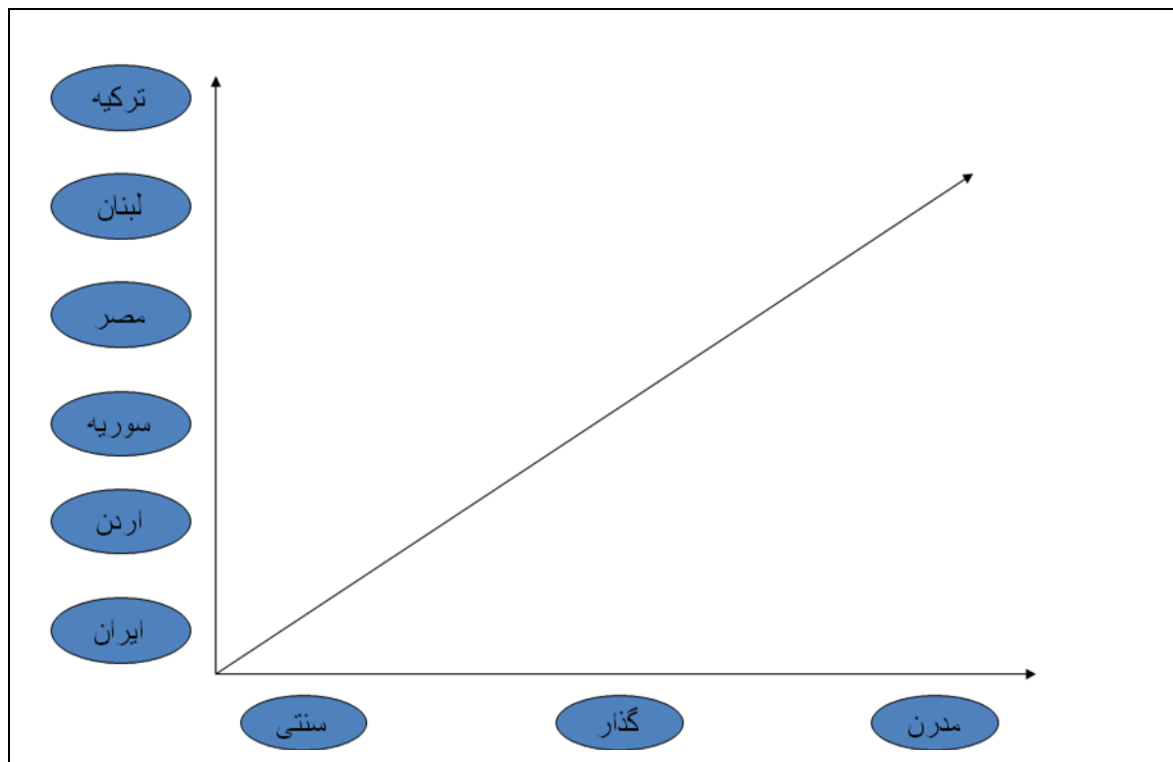
مدل لرنر برای تقسیم بندی جوامع به لحاظ توسعه

گونه‌ها	سواد	شهرنشینی	رسانه‌ها	همدلی	درجه فکر و اندیشه نوگرایانه
نوگرا	+	+	+	+	۱
در حال تحول : (الف) (ب) (ج)	-	+	+	+	۲
	-	-	+	+	۳
	-	-	-	+	۴
سنتی	-	-	-	-	۵

لرنر با طرح مفهوم همدلی و شخصیت انتقالی به معنی این که شخص بتواند خود را جای دیگری قرار دهد، در

صدد شناسایی ابعاد روانی و آمادگی ذهنی افراد برای پذیرش نوسازی و نوآوری است.

نمودار لرنر برای نوسازی در کشورهای خاورمیانه



نظریه اینکلس و اسمیت^۷

کتاب معروف خود را که نتایج مطالعات در شش کشور در حال توسعه (پاکستان، آرژانتین، شیلی، هند، نیجریه، اسرائیل) است با نام مدرن شدن Becoming Modern منتشر نمودند. این دو نیز بر نوسازی انسان تأکید دارند. از نظر آنها خصوصیت برجسته انسان مدرن در دو جنبه قابل بررسی و تشخیص است:

الف) داخلی = وجه نظرها، ارزش‌ها و احساسات که ویژگی‌های زیر را دارد:

پذیرش تجربیات تازه و استعداد برای ابداع، برخورداری از عقاید آزاد و آگاهی از اختلاف عقاید و تنوع آنها، توجه به حال و آینده به جای توجه به گذشته، وقت شناسی و نظم، تمایل به برنامه‌ریزی، کارآمدی یا توانایی تسلط بر محیط، قابل محاسبه دانستن جهان، احترام به دیگران، اعتقاد به علم و تکنولوژی، احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران

ب) خارجی و محیطی = شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و ...

عوامل نوسازی از نظر اینکلس و اسمیت:

آموزش و پرورش

شهرنشینی

رسانه‌ها

دولت ملی

احزاب سیاسی

^۷ - Inkles – Smith

محیط کار و فعالیت در کارخانه‌ها

دستگاه‌های اداری و دیوانسالاری

این دو براساس تحقیقات سه متغیر آموزش و پرورش، وسایل ارتباط جمعی و کار در کارخانه را در فرایند نوسازی بسیار مهم می‌دانند. و جامعه مدرن و توسعه‌یافته را جامعه‌ای می‌دانند که در آن صنعت در سطح گسترده، شهرنشینی وسیع، وسایل حمل و نقل سریع، استفاده از وسایل ارتباط جمعی به وفور، سازمان‌های بوروکراتیک وسیع و همچنین سازمان‌های آموزشی همراه با سطح بالایی از فرهنگ عمومی وجود دارد.

دیوید مک‌کله‌ند^۸

نظریه انگیزه پیشرفت Need For Achievement .

وی میل به پیشرفت را عامل اساسی در توسعه می‌داند و آن را ویروسی ذهنی می‌داند که بسیار کمیاب است و هر که داشته باشد پیشرفت می‌کند. کسی که این ویروس را دارد مرتب به فکر خوب انجام دادن کار و یا بهتر از قبل انجام دادن آن است، یعنی کاراتر، سریعتر، و با زحمت کمتر به نتیجه بهتر دست یابد. او برای تحقیق خود ادبیات جوامع مختلف را بررسی می‌کند و قائل به وجود همبستگی بین میل به پیشرفت جوامع و تولید ناخالص ملی آنهاست.

مانع کلیدی توسعه = فقدان انگیزه پیشرفت در افراد

راه‌حل‌ها = ایجاد و تقویت انگیزه پیشرفت از طریق :

۱- رهبری هر کشور باید با هر وسیله ممکن انگیزه برای توسعه را تقویت کند.

۲- برگزاری دوره‌های آموزشی برای تقویت انگیزه بازرگانان و سرمایه‌داران

۳- ضرورت آموزش عالی زنان در کنار آموزش مردان

^۸ - Macceleland

ابعاد روانی انگیزه پیشرفت

فضیلتی شخصی = میل فرد به پیشرفت خودش

فضیلتی اجتماعی = میل به سعادت دیگران

لذا باید هم میل به ارتقاء برتری خود نسبت به دیگران داشته باشد و هم مایل به ارتقاء سطح رفاه عمومی

داشته باشد.

اورت هیگن^۹

کتاب معروف = درباره‌ی نظریه‌های تحول اجتماعی

به نظر اورت هیگن مراحل آغازین و شروع اجتماعی شدن طفل تأثیر قاطعی در رفتار آینده او دارد به گونه‌ای

که ممکن است مانع نوآوری و یا پذیرش نوآوری شود و علت توسعه نیافتگی را در شخصیت استبدادی در افراد

می‌داند. او این شخصیت استبدادی را معلول تربیت خشک و اطاعت‌آمیز در دوران کودکی می‌داند که با تنبیهات

سخت همراه است.

راه حل = باید احساس نیاز به پیشرفت در یک گروه تلقین شود.

ج) نظریه‌های نوسازی اقتصادی

۱ - شومپیتر:

بر تأثیر ابعاد اجتماعی و روانی در تحقق نوسازی تأکید دارد.

روحیه کارفرمایی - پیشرفت روش‌های فنی تولید - فضا و جو اجتماعی

^۹ - Everet Hygen

۲ - روستو : کتاب معروف وی «مراحل رشد اقتصادی - بیانیه‌ای غیرکمونستی» در سال ۱۹۶۰ منتشر گردید.

وی پنج مرحله برای رشد و توسعه اقتصادی مطرح می‌کند که جوامع توسعه‌نیافته باید آنها را یکی پس از دیگری طی کنند.

۱ - جامعه سنتی ۲- شرایط قبل از خیز ۳- مرحله‌ی خیز اقتصادی ۴- مرحله‌ی بلوغ اقتصادی ۵ - مرحله‌ی مصرف انبوه و برای هر یک ویژگی‌هایی را بر می‌شمرد.
وی مرحله‌ی ششمی هم با عنوان فراسوی مصرف مطرح می‌سازد.
مهمترین مرحله خیز اقتصادی است.

مکتب اکلا ۱۰

رائول پریش آرژانتینی، سلسو فورتادو آرژانتینی و اوسوالدو سونکل از شیلی.
نظریات این مکتب بیشتر ناسیونالیستی و ضد امپریالیستی است و این به معنای مارکسیستی بودن آن نیست.
بر رابطه‌ی نابرابر بین شمال و جنوب تأکید دارند، مرکز - پیرامون و وابستگی را مطرح می‌سازند. برخلاف مکتب
نوسازی که به موانع درونی توسعه معتقد بودند بر عوامل برون‌زا تأکید می‌نمایند و کشورهای توسعه‌نیافته
آمریکای لاتین را دارای نوعی ساخت دوگانه می‌پندارند.
راه حل توسعه نیافتگی را راهبرد جایگزینی واردات در قالب الگوی توسعه درون‌زا در مقابل راهبرد تشویق
صادرات که در قالب الگوی توسعه برون‌زا قرار می‌گیرد معرفی می‌نمایند. راهبرد جایگزینی واردات جایگزینی
تولیدات داخلی را به جای محصولات خارجی توصیه می‌کند.

دیدگاه وابستگی و نظریه نظام‌های جهانی

نظریه پردازان وابستگی معتقدند که توسعه نیافتگی محصول ساخت یا ویژگی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نمی باشد بلکه تا حد زیادی نتیجه تاریخی ارتباط گذشته و مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه نیافته و کشورهای توسعه یافته است.

مشکلات ناشی از بیرون است نه از درون. کشور توسعه نیافته کشوری است که به واسطه غارت استعماری و مشارکت در نظام واحد جهان سرمایه داری از توسعه محروم مانده است.

صاحب نظران عمده وابستگی:

صاحب نظران عمده دیدگاه وابستگی که متأثر از آراء مارکس و مکتب فرانکفورت می باشند عبارتند از: آندره

گوندر فرانک، پل باران، ایمانوئل والرشتاین

خلاصه و نتیجه گیری

در گزارش فوق ابتدا تعاریف مفاهیم مرتبط با توسعه ارائه شد و پس از آن نظریات جامعه شناسان کلاسیک که در ادبیات توسعه تأثیر جدی برجای گذاشتند مطرح گردید و سپس نظریات توسعه در دو گروه عمده نظریات نوسازی و نظریات انتقادی به اجمال مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. نظریات نوسازی که تأکید عمده این گزارش روی آن قرار گرفته خود در سه گروه نوسازی اجتماعی، نوسازی روانی و نوسازی اقتصادی طبقه بندی و تشریح شدند. به طور کلی هدف از این بحث مرور دیدگاه های مختلف در باب علل و عوامل توسعه و توسعه نیافتگی جوامع مختلف بود تا ضمن آشنایی با آن ها زمینه ای برای ورود به ادبیات توسعه ایران فراهم گردد.

منابع

۱. آزاد ارمکی ، تقی ، نظریه در جامعه شناسی، انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۵
۲. آزاد ارمکی ، تقی ، درآمدی بر نظریه سازی در جامعه شناسی ، انتشارات کلمه ، ۱۳۷۹
۳. آزاد ارمکی، تقی، مدرنیته ایرانی، روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، دفتر مطالعاتی - انتشاراتی اجتماع، ۱۳۸۰
۴. ازکیا، مصطفی و ...، جامعه شناسی توسعه، انتشارات کیهان، چاپ هفتم، ۱۳۸۷
۵. ازکیا، مصطفی و ...، مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴
۶. ازکیا، مصطفی ، جامعه شناسی توسعه، انتشارات کلمه ، ۱۳۷۸
۷. برایان فی، پارادایم شناسی علوم انسانی، ترجمه مرتضی مردیها، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳
۸. بروجردی، مهرزاد، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، نشر فرزانه، چاپ دوم ۱۳۷۷
۹. بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، نشر فرزانه، ۱۳۷۵
۱۰. ریچارد پیت و ...، نظریه های توسعه، ترجمه دکتر مصطفی ازکیا و ...، نشر لویه، چاپ اول ۱۳۸۴
۱۱. کاجی ، حسین، کیستی ما، انتشارات روزنه، چاپ دوم ۱۳۷۸
۱۲. گی روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، چاپ چهارم ۱۳۷۲
۱۳. ریتزر، جرج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۷۴
۱۴. ریتزر، جرج، بنیان های نظریه جامعه شناختی، ترجمه دکتر تقی آزاد ارمکی، نشر سیمیرغ، ۱۳۷۴
۱۵. کوزر، لوئیس، و ...، نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی ، ۱۳۷۸
۱۶. کیا، علی اصغر، تغییرات اجتماعی، انتشارات آن، ۱۳۸۱
۱۷. گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نظر مرکز ، چاپ دوم ۱۳۸۰
۱۸. محمدی اصل، عباس، جامعه شناسی بنیادین ، متاتئوری، انتشارات روشنگران، ۱۳۸۲